

## سرود پیکار و پیروزی

رسم وره آزادی یا پیشه نباید کرد  
یا آنکه زجانباری اندیشه نباید کرد  
( فرخی یزدی )

محاکمه ۱۸ تن که در بیدارگاه نظامی فاشیستی محمد رضا شاهی جریان یافت نمودار روشنی از مبارزه صریح و بی پروا و دلورانه خلق ما بر ضد رژیم پوسیده و محکوم بزوال اسپران است. عده‌های از فرزندان شایسته خلق مادر این بیدار آزجا خود نیندیشیدند، بقیمت اینکه پس از بازگشت از محکمه دوباره رسیاه حال‌های سازمان امنیت دچار شکجه کردند از فجایع این سازمان جنایتکار برده برگرفتند و رژیم "انقلاب سفید" را از همه جانب کوبیدند. حتی سه تن از آنها ( مسعود بطحا، آه پانگوار، ناصر کاخ ساز ) ایمان خویش را به مارکسیسم سیم با سر بلندی و دلیری اعلام داشتند و دریایان صحنه - ری محاکمه که حکم سازمان امنیت ابلاغ میشد سرود رنجبران همان سرود پیکار و پیروزی طبقه کارگر، سرود انترناسیونال سر دادند.

درد بر آنها! افتخار بر آنها!  
در کسوری که - بقول پاک نژاد - "هیچکس در آنجا بجر سیاسی دستگیر نمیشود" ( زیرا که دولت حاضر نیست هیچگونه اعتقاد و فعالیت سیاسی را تحمل کند و لااقل آن را عمر دیف حرائم عادی بشمارد )، درد ادگاهی که - بازم بقول پاک نژاد - "صرف اعتراض به صلاحیت دادگاه نظامی جرم محسوب میشود" پاک نژاد و یارانش فریاد خلق ایران را طنین - اند از ساختند و در واقع ثابت کردند که آنکه بر ضد قانون اساسی ایران - این خونبهای هزاران شهید انقلاب - قیام کرد موآنکه باید برای میز محاکمه و جوبه اعدام کشانده شود محمد رضا شاه است. دادستان در دفاع از سازمان امنیت و اثبات قانونیت وی گفت که سازمان امنیت را قانون مقرر داشته است. ولی همانطور که شهمان گفتند چنین قانونی میان قانون اساسی است و کس که آن را وضع کرده اند به قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی دست زده اند. دادستان گفتاری یکی از متهمان را بطعنه تکسار کرد و گفت: "سخنان پاک نژاد سخنان توده‌های پابرهنگه" است. وی ابلهانه میخواست از این طریق بی اعتباری سخنان پاک نژاد را نشان دهد. ولی چه افتخاری بالاتر از این که کسی سخنگوی توده‌های پابرهنگه ایران، یعنی نود و پنج درصد مردم ایران باشد. پیش از سی سال پیش، ارانی درد ادگاهی نصیر دادگاههای گنوی، در جواب دادستانی نظیر دادستان کوبی چنین گفت: "چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرف داری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود! ... مگر رنجبر تمام جزئیات حیات شمارا تامین نمی کند؟ ... مگر اکثریت ملت ایران به نسبت نه دم رنجبر نیست؟ این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده مخالفید بلکه از آن سخت هراسانید."

دادستان مدعی شد که گویا این جوانان پاکباز با عبور از مرز ایران و عراق میخواستند با تیمور بختیار تماس بگیرند، و پاک نژاد در جواب او تحقیرکنان گفت: "در برنده ماهیج نامی از سر لشکر بختیار نیست. دولت یک سال بعد از دستگیری مارکس تصعب گرفت مارا باین سر لشکر مرتجع بچسباند". مافظت بخا این جرم به دادگاه آورده شد هابم که میخواست هابم با اسرائیل که در امپریالیسم در خاور میانه است پیکار کنیم. پاک نژاد افزود که قسدا در پیکار بخاطر خلق فلسطین در همین حال متوجه رهائی خلق ایران بوده است زیرا که "انقلاب مقدس خلق ویتنام پیکار خلق‌های باسک و اسپانیولی و مبارزات خلق‌های امریکای لاتین، فلسطین و ایران بهم پیوسته است". بقیه در صفحه ۳

## زندگی و مبارزه طبقه کارگر ایران

مدت بیکاری آنها نیز بحساب آورده شود. اگر فقدان بیمه‌های مختلف و فقدان حقوق تقاعد را نیز در نظر بگیریم آنگاه روشن تر میگردد که رفق طبقه کارگر ایران با چه استعمار بیرحمانه ای مکیده میشود.

بطور کلی هر جا که طبقات استعمارگر در حکومتان هرتکا تکنیک از طرفی موجب افزایش شدت کار و از طرف دیگر موجب کاهش تعداد کارگران و بیکاری عده ای از آنها میشود. کسرسیو نفت در هسائه اخیر در اثر نشودن و خود کار شدن دستگاهها دهها هزار کارگر متخصص ایرانی را بخیا بان ریخت و یا با حقوقی کمتر بکارهای سنگین غیر تخصصی گماشت. برخی از صنایع دولتی و خصوصی ایران نیز همین روش را داشتند و حتی خریداران برخی از کارخانه‌های دولتی قبلا شرط میکردند که بتوانند کارگران "زائد" را بدون قید و شرط از کارخانه بیرون ببرند. بایسن طریق امروز در کشور ما نه فقط سبلی از دهقانان پریشان روزگار بشهرها روان است بلکه هزاران کارگر بیکار در جستجوی کار باین کارخانه و آن کارخانه و یا باین شهر و آن شهر روی می آورد. کاروار کارگرانی که به قضا و قدر تن میسپارند و به شهرهای جنوبی خلیج فارس، به بحرین، عمان، کویت بصره و غیره رهسپار میشوند قطع شدنی نیست. اخیرا دولت از ترس وخامت این وضع در صدر "صدور" کارگر به خارج برآمده و عده‌های از رنجبران شریف ایرانی را باستثمار کشور نژاد پرست افریقای جنوبی و دولت آلمان غربی سپرده است. و این خود نشانه دیگری از این حقیقت است که رژیم محمد رضا شاه برای زحمتکشان ایران جای زندگی در وطن خویش باقی نگذاشته است. در کارگاهها و کارخانه‌های ایران بی قدرترین چیزها جا کارگر است. چه بسیار از آفرینندگان ثروت این کشور که در اثر حوادث کار بیمار میشوند، اظلیع میشوند، از کار بی افتند و بسا بیکاره جان می سپارند. چندی پیش انفجار لوله گاز در منطقه بید بلند ( حوزستان ) موجب قتل ۲۵ نفر و زخمی شدن ۴۷ نفر کارگر گردید و حتی جرائد مزدور نیز نوشتند: بقیه در صفحه ۳

وضع طبقه کارگر ایران مانند عموم زحمتکشان بسیار اسفنا است. سازمان امنیت بجراید فرمانبرداری دستور داده است که در باره واقعیت زندگی این طبقه و مبارزات دلیرانه اش خاموش بمانند و برعکس در مورد دروغ بزرگ " سهم کردن کارگران بسرو کارخانه" را در سخن بدهند. گماشتگان سازمان امنیت در مجلس نیز همین دستورها دریافت داشته‌اند. ولی وخامت زندگی طبقه کارگر ایران خطیرتر از آن است که بتوان تمام گوشه‌های آن را با دروغ‌های شاهانه پوشانید. چندی پیش در انشجویان در مقابل آقای "نیکخواهر رژیم" که میخواست آنها را با کلمات "ایستایی" و "پویایی" و "همبستگی ملی" و غیره دچار سرگیجه گرداند و از توجه به فقر و رنج بی پایان توده‌های مردم بازدارد گفتند: "دیروز که ما از کارخانه مقدم باز دیدیم میگردیم به کارگر برخوردیم که با حداقل ساعتی ۵ ریال و حداکثر ساعتی ۳۵ ریال مشغول کار هستند". در همان هفته‌ها روزنامه کیهان ( ۱۷ شهریور ۱۳۴۹ ) خبر داد که بسیاری از کارگران سازمان بنادر و کشتیرانی ( بخش دولتی ) که در هوای سوزان جنوب به کار طاقت فرسائی تن میدهند کمتر از ۸۵ ریال دستمزد دریافت میدارند. یعنی ماهیانه ( با حذف روزهای جمعه ) کمتر از ۲۴۰ تومان. وزارت کار بعنوان نتیجه مطالعات خودش اعلام داشت که حداقل دستمزد در نقاط مختلف کشور بین ۳۴ تا ۶۴ ریال یعنی ماهیانه حدود ۱۰۰ الی ۱۲۰ تومان است ( اطلاعات ۱۳ خرداد ۱۳۴۷ ). یکی از کارگران در دادگاه شماره ۲ در درسی ارتش فریاد زد که "در مملکت ما کارگران زیادی وجود دارند که روزی ۷۰ ریال دریافت میکنند، در برابر کرایه خانه ماهیانه ۸۰۰ تا ۹۰۰ ریال و گرانی سرسام آوز زندگی" ( متن دفاعیه عسحان شانس ) . روزی یکی از نمایندگان مجلس بر زبان آورد که ۴۷۵ نفر از کارگران ماهیانه کمتر از پنجاه تومان مزد میگیرند ( اطلاعات ۱۴ اسفند ۱۳۴۸ ). زندگی

کارگران کارگاهها و بویژه کارگاههای قالیبافی بقدری رقت آور است که حتی گردانندگان رژیم لازم دیدند اشک تسامحی برای آنها نثار کنند و خود محمد رضا شاه در شورای عالی اقتصاد گفت: "بچه‌ها را جمع میکنند و از انگلستان ظرف این افراد بیچاره بی پناه کار میکنند و بآنها روزی چهار پنج ریال بیشتر نمی دهند. . . حتی شنیدم هم پدران و مادران خدمات اطفال خود را قبل از زایمان پیش فروش میکنند" ( کیهان ۲۴ مهر ۱۳۴۷ ) ولی ناچیزی دستمزد کارگران برای روشن ساختن وضع آنها کافی نیست. باید به بلای بیکاری که توده عظیمی از کارگران را در بر میگیرد و آنها را تا مدت‌ها از همین دستمزد ناچیز نیز محروم میگرداند توجه کرد. در واقع محاسبه دستمزد طبقه کارگر وقتی بدرستی صورت می پذیرد که تعداد بیکاران و

## چین توده‌ای و جنگ‌های عادلانه هندو چین

اعلامه مورخ ۴ فوریه وزارت خارجه جمهوری توده‌ای چین در باره تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم امریکا بر لائوس نموداری از انترناسیونالیسم پرلتری و عزم راسخ خلق چین در پشتیبانی بی قید و شرط از جنگ عادلانه خلق‌های هندو چین است. در اعلامیه گفته میشود:

" در واقع ماجراجویی جدید نظامی امپریالیسم امریکا در هندو چین از مدت‌ها پیش طرح ریزی شده بود. دلایلش موافقت نامه محرمانه‌ای است که از مدت‌ها پیش بین مقامات پوشالی سایگون و نیروهای دست راستی لائوس و مورد پشتیبانی امپریالیسم امریکا در باره ورود قوای ویتنام جنوبی در لائوس وجود دارد. دولت نیکسون، این جنایتکار عمده، مسئول گسترش این جنگ تجاوزکارانه است."

دولت و خلق چین امپریالیسم امریکا را بناسبت جنابیت جدیدش بر علیه خلق‌های سه گانه هندو چین شدید احکاو میکنند و مصمانه پشتیبان اظهارات رسمی سخنگوی کمیته مرکزی جبهه میهن پرستان لائوس و وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام و همچنین وزارت امور خارجه دولت انقلابی موقت ویتنام جنوبی و سخنگوی دولت پادشاهی متحد ملی کامبوج مورخ ۱ و ۲ و ۳ فوریه میباشند.

امپریالیسم امریکا که تلاش میکند تا خلق‌های سه گانه قهرمان هندو چین را بوسیله گسترش جنگ تجاوزکارانه بانقیاد خویش در آورد هرگز در کار خود کامیاب نخواهد شد. بیگمان خلق‌های مذکور او را به مجازاتی بازم شدیدتر خواهند رسانید.

هتفمد میلیون مردم چین که پرچم انترناسیونالیسم پرلتری را افرشته نگه داشته‌اند هرگز به امپریالیسم اجازه نخواهند داد که در هندو چین به هر کار دلخواه خود دست بزند. این تعهد ما و وظیفه ماست که از خلق‌های سه گانه هندو چین تا پیروزی کامل آنان در جنگ بر ضد تجاوز امریکا و در امر رهائی ملی کاملاً پشتیبانی کنیم و آنها کمک تمام عیار برسانیم.



از راست به چپ: پاک نژاد، بطحائی و کاخ ساز در زیر سایه سرنیزه در دادگاه نظامی.

## پیروزی باد مبارزه دلیرانه خلق‌های هندو چین

# خلق ایران و طبقه کارگر ایران

پارامی از اعضا "جبهه ملی" گاهی به این "استدلال" متوسل میشوند که سازمان توفان همانطور که خود میگوید - نویسنده فقط مدافع منافع طبقه کارگر است و حال آنکه ما "جبهه ملی" مدافع تمام خلق، دفاع از تمام طبقاتی را که از سلطه امپریالیسم رنج میبرند و جبهه همت خود قرار داده ایم. البته برای کسانی که برای نخستین بار با مسائل اجتماعی برخورد میکنند و از خصلت طبقه کارگر، آرمانهای وی و رسالت تاریخی وی آگاهی ندارند این "استدلال" فریبنده است و میتواند افراد را از راه صحیح بدربرد و به گمراهی بکشاند.

در اینکه ما مدافع منافع و آرمانهای طبقه کارگر چهچگونه تریبی نیست. اما آیا دفاع از منافع طبقه کارگر معنی آن است که سازمان ما از منافع طبقات و قشرهای دیگر در قبضه امپریالیسم و ارتجاع و یا بعبارت دیگر از منافع خلق ایران دفاع نکرده و نمیکند؟ اساساً آیا منافع و آرمانهای طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب با منافع و آرمانهای خلق های ایران یکی است؟ آیا منافع و آرمانهای طبقه کارگر از دیدگاه تاریخی منافع و آرمانهای خلق زحمتکش ایران را در بر نمیگیرد؟

دوره اول ادعای دوستان "جبهه ملی" مادر تناقض و حشر با واقعیات است. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان از همان آغاز پیدایش خود به شهادت صفحات ماهنامه نمود هیچگاه از دفاع از منافع طبقات و قشرهای گوناگون، از پشتیبانی از مبارزات آنها علیه دشمنان داخلی و خارجی باز نایستاده است. "ایران آزاد" ارگان "جبهه ملی در اروپا" از چه طبقه یا قشری دفاع کرده که سازمان ما با شدت بدامنه وی گیری بیشتری نکرده است؟ کدام سازمان سیاسی را در حلقه حاضر میشناسید که در طول حیات خود بیش از سازمان توفان به پشتیبانی از مبارزات جوانان و دانشجویان در خارج و داخل کشور، به پشتیبانی از سازمانهای دانشجویی و کفدراسیون دانشجویان ایران برخاسته باشد؟ آیا ما هیچگاه از دفاع از منافع دهقانان باز ایستاده ایم؟ اکنون بر همه کس روشن است که سازمان توفان در این مرحله از انقلاب دهقانان را که اکثریت عظیم خلق ایرانند مطمئن ترین متحد طبقه کارگر می - شمارد. بسیج و متشکل ساختن و کثایت کردن آنها را بمبارزه وظیفه عمده خویش قرار داده است. بازم روشن است که بدون دفاع از منافع دهقانان، بدون آنکه خود را در خدمت آنان نگذارد، از خواستههای آنها پشتیبانی کرد و برای تحقق این خواست ها در پیشاپیش آنها قرار گرفت نمیتوان اعتماد و اطمینان دهقانان را بدست آورد. تصور این امر که سازمان توفان دهقانان را نیروی عمده انقلاب بشناسد ولی بدافع از منافع آنها سرخیزد، تصور باطل و بیپایه ای است.

سازمان توفان پیوسته برای تسلی کامل حقوق زنان و مردان در تمام زمینه ها، برای برانداختن ستم ملی و تامین حق های ایران در تعیین سرنوشت خویش مبارزه کرده و میکند. بگوای صفحات ماهنامه توفان ما حتی دفاع از منافع جزوای ملی ایران در برابر امپریالیسم و دولت دست نشانده آن را از نظر فرو نگه دارده ایم. اینها واقعیاتی است که علیه ادعای دوستان "جبهه ملی" برای میدهد. آن افرادی که برای مبارزه با سازمان توفان به اینگونه "استدلالات" دست می - زنند یا واقعبینان خود گمراه و ناآگاه اند، یا از عدم آگاهی جوانان برای دور کردن آنان از سازمان توفان و برانگیختن آنان علیه این سازمان سو استفاده میکنند.

این واقعیت که سازمان توفان از منافع طبقات و قشرهای ضد امپریالیستی و ضد فئودالی دفاع میکند تصادفی نیست. دفاع ما از منافع تمام خلق ایران ناشی از وفاداری ما به آرمانهای طبقه کارگر ایران است، ناشی از این امر است که هیچگاه و در هیچ مرحله ای از تکامل جامعه ما منافع طبقه کارگر ایران با منافع خلق در تضاد نیست. البته مفهوم خلق طوسی مراحل تکامل جامعه ثابت نمیماند و محتوی آن بر حسب اینکه جامعه ما در چه مرحله ای از تکامل قرار گرفته، به حل چه تضاد های اساسی و عمده ای باید بپردازد تغییر میکند. ولی در هر حال، هرچه باشد مفهوم و محتوی خلق، منافع طبقه کارگر همیشه در انطباق کامل با منافع تمام خلق است.

طبقه کارگر بنا بر جهان بینی علمی خود هرگز در حلال مسائل اجتماعی حتی مسائلی که با زندگی سخت و توانفرسای وی وابسته است بدنبال احساسات و تمایلات ذهنی نمیروند، کرد پنداره ای واهی نمیگردند، بلکه جامعه را از لحاظ درجه تکامل نیروهای تولیدی یا بعبارت دیگر بر اساس طبقاتی و مبارزات طبقاتی تحلیل میکند، مسائل حادتری را که باید در درجه اول بحل آنها پرداخت بیرون میکند، تمام نیروهای را که به حل این مسائل علاقه مندند گرد میآورد و بمبارزه میکشاند.

امروز جامعه ما و بیش از همه طبقه کارگر از دو مشکل اساسی رنج میبرد و تا زمانی که این دو مشکل از ریشه و بن حل نشود میهن ما و مردم ما همچنان در فقر و عقب ماندگی باقی خواهند ماند. امپریالیسم و بتایای تولید فئودالی اینست دو تضاد اساسی که قرنهای است راه را بر رشد نیروهای تولیدی کشور ما بسته اند. بدون برانداختن این دو تضاد سخنی هم از انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه سوسیالیستی که رسالت بلا منازع طبقه کارگر است نمیتواند بیان آید. از اینرو طبقه کارگر برای نیل به هدف نهایی خود یعنی ایجاد جامعه بدون استثمار و بدون طبقات، جامعه ای بدون ستم طبقاتی و ملی، در مرحله کنونی تمام تلاش خود را برای حل این دو تضاد بکار می اندازد. هر اندازه این دو تضاد ریشه ای ترو کامل تر حل شود برای رشد نیروهای تولیدی میدان وسیعتری گشود خواهد شد و مقدمات لازم برای گذاره انقلاب سوسیالیستی، بیشتر فراهم خواهد آمد. بیپایه نیست که طبقه کارگر ایران بیش از هر طبقه یا قشر دیگری بحل قطعی این دو تضاد علاقه مند است. از اینجا است که منافع طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب با منافع تمام طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و ضد فئودال درهم میآمیزد و از اینجا است که طبقه کارگر در مبارزه علیه امپریالیسم و بتایای شیوه کهن فئودالی، در کنار نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی قرار میگیرد و همراه با آنها و بعلمت خصائل انقلابی خود در پیشاپیش آنها نبرد مشترکی را علیه دشمنان خلق دنبال میکند.

روشن است که دفاع از منافع و آرمانهای طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب (و نیز در مراحل بعدی آن) جز دفاع از منافع خلق ایران نیست و سازمان ما که دفاع از منافع طبقه کارگر و تحقق آرمانهای وی را وجهه همت خود قرار داده نمی تواند مدافع منافع و آرمانهای تمام خلق های میهن ما نباشد. این حقیقتی است که با هیچ پردهای نمیتوان آنرا پوشانید. اما این هنوز تمام نیست. سرشت طبقه کارگر به مبارزه وی خصلتی تا پایان انقلابی می بخشد. طبقه کارگر جز در آزادی توانا و سازنده سرمایه های ندارد، از اینرو تنها از انقلاب و قیام توده ها نمی هراسد برعکس به استقبال آن می شتابد و در پیشاپیش توده ها جای میگیرد. پیروزی انقلاب فقط میتواند زنجیرهای اسارت را از دست و پای وی بردارد. اینست که خصلت انقلابی طبقه کارگر هرگز دچار قنوط نمیشود، تزلزل و تردید نشان نمیدهد با مصالحه و سازش با دشمن سازگاری ندارد. این خصائل انقلابی از موقعیت طبقه کارگر در تولید بر میخیزد. هیچ طبقه یا قشر دیگری دارای چنین موقعیتی نیست.

پیروزی ملی ایران بعلمت آنکه دارای وسایل تولید است و خود کم و بیش در استثمار دهقانان در روستا دست اندر کار است از صادرات زمین های مالکین بزرگ بینناک است، از آنجائی که بنیه اقتصادی و سیاسی ضعیف است از قیام توده ها و انقلاب میترسد و هر موقع که نهضت انقلابی اوج میگیرد با دشمنان خلق، امپریالیسم و ارتجاع علیه توده ها سازش می کند. اینجا است که منافع او حتی در این مرحله نیز با منافع طبقه کارگر و خلق زحمتکش ایران در انطباق کامل نیست.

جز با دفاع از منافع طبقه کارگر و کوشش در تحقق آرمان های وی نمیتوان بخلق وفادار ماند، به میهن خود مهرورزی کرد، سازمان ما چون بخلق و میهن خود مهر میورزد، به طبقه کارگر بدانش وی و به آرمانهای وی روی آورده است. فقط طبقه کارگر میتواند خلق ایران و میهن ما را در مرحله بحر حله در شاهراستی و شکستگی رهنمون شود. حکم تاریخ چنین است.

در راه آزادی... بقیمای صغحه. که ارتجاع سیاه را در تمام جبهه ها مستقر ساخت جامعه ایران و مبارزات خلق آن را به قهقرا برد و زنان ایران را نیز از پیشروی در راه تامین حقوق انسانی خویش بازداشت.

شاه وقتی چند تن از ندیمه های اشرف پهلوی را در لیست نمایندگان مجلسین میگذاشت یا بوزارت منصوب میداد و آنرا بمشایه آزادی زن ایرانی جا میزد در واقع هیچ کسی را نمی فریبید. زنان ایران فقط با مبارزات خود و با شرکت در مبارزات خلق ایران بخاطر آزادی و استقلال میتوانند آزادی خود را بدست آورند و تساوی حقوق را به کرسی بنشانند. در مبارزه ای که هم اکنون چه در خارج و چه در داخل کشور علیه امپریالیسم و ارتجاع ایران جریان دارد، زنان و دختران سهم ارزنده خود را ایفا میکنند. یقین است که زنان و دختران ایران با الهام گرفتن از زنان و دختران بیت نامی فلسطینی و... شرکت خود را در مبارزه بیشتر و جدی تر خواهند کرد.

مارکسیست - لنینیست های ایران وظیفه دارند در جلب زنان و دختران بمبارزه و متشکل ساختن آنان از هیچ کوششی فرو نگذارند. البته این وظیفه دشواری است، دشوار است از آنجست که از یکسو در میان زنان و دختران بعلمت عقبماندگی جامعه مشکلات فراوانی بهمراه دارد و جسارت و بردباری بسیار میخواهد و از سوی دیگر باید ضمیر خود را از افکار "مردانه" که خواه ناخواه تاثیر خود را باقی گذارد هاند پاک کرد، باید بخاطر سپرد که بدون شرکت زنان در انقلاب کار انقلاب به سرانجامی نخواهد رسید و بدون پیروزی انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر زنان روی آزادی نخواهند دید.

## در چشم دشمنان

یکی از نقایب زمانی در نامه ای مینویسد: توفان خاریست در چشم دشمنان طبقه کارگر ایران. این سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران به بین انقلابی خلق و مبارزات پرافتخار طبقه کارگر ایران اعتقاد راسخ دارد و میکوشد حزب طبقه کارگر را - طبقه ای که پرچم انقلاب دمکراتیک ملی ما را بدوش میکشد - در عرصه ایران احیا کند و درست بهمین دلیل است که توفان هیچگاه از حملات ارتجاع، روزیونیستها، چپ و راست مصون نبوده و این امری طبیعی است!

اینکه امروز توفان - زبان طبقه کارگر ایران - مورد حملات، تهمت ها و ناسزاگویی ها قرار گرفته پیر تازهای نیست. حزب کمونیست ایران، گروه ارانی و حزب توده ایران ناآگاه که به مارکسیسم لنینیسم وفادار بود نیز از این تهمت ها و افتراها و... و حملات ارتجاع در امان نبودند.

سازمان توفان مورد حمله اپورتونیستهای چپ قرار گرفته. چرا؟ برای اینکه از این راه بتوانند مشی ضد انقلابی خود را "بمرحله اجراء" در آورند نگذاشته حزب توده ایران را بیالایند. شاید بعد پراکتی کنند و با لاف و سودا زمانا منیت گام بردارند.

و برای انجام این مقصود هر نقش خرابکارانه ای را اجرا میکنند. سخن پراکتی از قول این یا آن فرد که "گویا" عضو یا "سمپاتیزان" توفان است از شیوه های قدیمی و کهنه ایمن دشمنان سوگند خورده است.

دست این آقایان همه جاروشده است. اینان هنوز که هنوز است از مبارزات طبقاتی، از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون دم میزنند ولی در عمل به مقاصد ضد مارکسیستی یاری میرسانند.

وظیفه امروز همه مارکسیست لنینیست ها افشا، چهره این و اخورندگان انقلابی ناست. تشکل در درون توفان برای احیا، حزب طبقه کارگر ایران وظیفه هر فرد مبارز و مارکسیست لنینیست است. تشکل در درون توفان برای مبارزه بی گیرتر با رژیم سرسپرده ایران، برای مبارزه با اپورتونیستها چپ و راست وظیفه همه هواخواهان طبقه کارگر است.

در تقویت توفان، وحدت و تشکل آن بکوشیم. نقش خرابکارانه دشمنان خلق را از هر قماش که باشند افشا کنیم و وحدت سازمانی را چون مردمك چشم دست بداریم.

## پیروز باد جنگ آزادی بخش خلق فلسطین

# دروغ شاهانه

(از روزنامه «کیهان» بتاريخ سه شنبه ۱۵ دیماه ۴۹)  
 «... در کمیته بازرگانی سازمان همکاری عمران منطقه ای  
 در مورد خرید نزدیک به دو میلیون دلار کوسفند از ترکیه بوسیله  
 ایران مذاکراتی انجام میشود.»  
 حال به سخنان اعلیحضرت توجه فرمائید:  
 (از روزنامه «کیهان» بتاريخ دوشنبه ۵ بهمن ۴۹)  
 «... ما اکنون بیش از ۶۰ تا ۷۰ میلیون گاو یا کوسفند  
 داریم که ۳۰ میلیون آن زیاد است.»

منت نبوده... بقیه از صفحه ۴  
 ویتنام که دولت شوروی  
 مدعی پشتیبانی «بی شائبه» آنست نمیتواند باشد. ما در اینجا  
 برای اینکه مشتق از خروار نشان داده باشیم ترجمه مقاله ای  
 را که در تاریخ اول نوامبر ۷۰ در نشریه ژاپنی «سانگای شیمبۇ»  
 انتشار یافته و از طرف مؤسسه صلح برتراند راسل برای انتشار  
 در اختیار جرده «اکسپرس انترنشنال» گذارده شده است، از  
 نظر خوانندگان عزیز میگردانیم:

«مائوسای سخنگوی هیات نمایندگی اقتصادی  
 کامبوج و معاون وزارت دارائی این کشور دیروز در سفارت  
 کامبوج در ترکیه اظهار داشت که از کودتای ۱۸ مارس  
 اتحاد شوروی به کامبوج کمکهای نظامی دیگری پرداخته  
 است. مائوسای اظهار داشت که:  
 «در کمکهای گوناگون دولت اتحاد شوروی به کامبوج  
 پس از پایان دوران سیهانوک تخفیفی حاصل نگشته  
 است. بلکه حتی نسبت به آزمون افزایش هم یافته  
 است. کمکهای نظامی که قرار داد آن قبل از کودتای  
 شده بود اکثراً عبارتند از کامیونهای نظامی که پس از  
 کودتا نیز بطور منظم تحویل داده شده است. تحویل  
 این کامیونهای نظامی هنوز به پایان نرسیده است و  
 بقیه آن بزودی خواهد رسید.»

بخشهای زیر بخش فقهده حمایت شوروی از کامبوج  
 را به عهده دارند: انستیتوی تکنولوژی کمکهای دوستی  
 شوروی، که محل آن در حومه شهر پنوم پن است بیمار-  
 ستان دوستی شوروی و کامبوج که بزرگترین بیمارستان  
 پنوم پن است. استادان و کادرهای پزشکی این موسسات  
 از شوروی آمده اند.

در ۱۸ مارس امسال دولت سیهانوک بدنبال یک  
 کودتا ساقط گردید. پیروان او با ویتنام شمالی وجبهه  
 آزادی بخش ویتنام جنوبی عقد اتحاد بستند و به رژیم  
 لون - نول اعلام جنگ دادند. از ماه مه چینی نیز  
 مبارزه سیهانوک را مورد حمایت قرار داد و روابط خود را  
 با رژیم لون - نول قطع کرد. در آزمون پرسیده میشد  
 که اتحاد شوروی چگونه سیاستی اتخاذ خواهد کرد.  
 ولی دولت شوروی تا امروز نیز روابط دیپلماتیک خود را  
 با پنوم پن حفظ کرده است.

البته در اواخر ژوئن وقتی اختلافات در کامبوج  
 بالا گرفت، حدود شصت تکمیسین و مشاور شوروی به  
 عنوان مرخصی برای دیدار وطن از کامبوج فرا خوانده  
 شدند ولی چنانکه مائوسای در کنفرانس مطبوعاتی خود  
 اعلام داشت، تمام این افراد منجمده ۸۵ پروفسور و  
 سایر کارکنان انستیتوی تکنولوژی مجدداً به پنوم پن  
 بازگشته اند.

چنین بنظر میرسد که مناسبات شوروی با رژیم لون  
 نول بخشی از مبارزه شوروی با چین را تشکیل میدهد  
 دولت چین به پشتیبانی سیهانوک پرداخت...

ولی دولت مخالف وی، دولت شوروی با کشور  
 های هندوچین نه تنها روابط سیاسی دارد بلکه به  
 این کشورها کمک و همچنین کمک نظامی هم میکند. به  
 همین دلیل حمایت شوروی از رژیم لون - نول در گذشته  
 نیز قابل پیش بینی بود ولی افشا این واقعیت مسلماً  
 خشم شدید چین و، بطریق اولی، ویتنام شمالی وجبهه  
 آزادی بخش ویتنام جنوبی را بر خواهد انگیزد.

پاسداری از... بقیه از صفحه ۴  
 بویژه که در کشور عقب مانده نیمه قنودال و نیمه مستعمرهای  
 مانند ایران عرض وجود میکند.  
 سرمقاله «آخر روزنامه» مردم «بار دیگر مشی عمومی ضد  
 انقلابی و ضد خلقی رویزیونیست های حزب توده ایران را آشکارا  
 میگردد. این مشی عبارتست از: دفاع از منافع سوسیال امپری-  
 یالیسم شوروی در سازش با آمریکا، در بند و بست با رژیم جنایتکار  
 محمد رضاشاهی، در غارت میهن ما.

سابقاً رویزیونیستهای حزب توده ایران فراز و نشیب  
 روابط ایران و شوروی را در طی دوران گذشته چنین توجیه میکردند:  
 «هر وقت دولت های ایران مصالح ملی ما را آشکارا زیر  
 پا گذاشته، جنبش ملی و دموکراتیک ایران در اثر توطئه امپری-  
 یالیسم و ارتجاع موقتا سرکوب شد و سیاست تجاوزکارانه امپریا-  
 لیسم در عرصه جهانی تشدید گردیده، مناسبات ایران و شوروی  
 نیز به تیرگی گرائیده است.» («انقلاب اکبر و ایران» ص ۱۹۶).  
 اینک که روابط تزارهای کرپن با محمد رضاشاه از مرحله  
 دوستی هم گذشته و به معاشقه کشیده است یا باید گفت که  
 دولت محمد رضاشاه نگهبان مصالح ملی ایران است و جنبش ملی و  
 دموکراتیک ایران بوسیله ارتجاع و امپریالیسم سرکوب نمیشود و  
 سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم در عرصه جهان تخفیف یافته  
 و یا باید این واقعیت را دید که شوروی امروز در امال کردن  
 مصالح ملی ما، در سرکوب جنبش ملی و دموکراتیک ایران همیای  
 امپریالیسم و ارتجاع ایران است و با سیاست تجاوزکارانه امپری-  
 یالیسم در عرصه جهان همدستان است.

این واقعیت را با هیچ سفسطه رویزیونیستی و با هیچ  
 دشنام و ناسزا نمیتوان پوشانید.

سرود پیتار... بقیه از صفحه ۱  
 البته در دادگاه ۱۸ نفر افراد ضعیفی نیز بودند و خائز  
 انگشت نمائی در صف متهمان نشسته بود. پاک نژاد در باره  
 این شخص در روغ پردازی ها و رفیق فروشی هایش گفت که  
 «مخواستگاری است آزادی خود را بخرد». ولی او در واقع شخصیت  
 خود را فروخته و بردگی سازمان امنیت را خریده بود. تا وقتی  
 که هیئت حاکمه خائن ترانتر ایران در مسند قدرت نشست است  
 از این گونه موجودات حقیر و پلید خواهد پرورد. هیئت مرکزی  
 سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در قطعنامه خود مورخ  
 تیرماه ۱۳۴۹ (توفان شماره ۳۵) بدرستی نظر داد که احتمالاً  
 چنین خیانت هائی را در هیچ سازمانی نمیتوان منتفی انگاشت  
 وجود مرتدان و خائنان نه میتواند لگهای برد امان نهضت بجسماً  
 و نه میتواند راه را بر وی سد کند.

دادگاه ۱۸ نفر در واقع دادگاه محاکمه رژیم و حکومت  
 وی بود. رژیم محمد رضاشاه شکست سوزانی خورد. وی متهمان  
 رانهای دزدی، قریب یکسال در زندان نگهداشته بود وی -  
 خواست آنها را مانند صد هانفرد دیگر بدون کمترین آگهی افکار  
 عمومی محکوم کند. ولی هشیاری و مبارزه خلق ایران و سازمان  
 های وی و بویژه افشاکاری های کفدراسیون محصلین و دانشجویان  
 ایرانی از این جنایت پرده برداشت و دادگاه سه ساختار مجبوری  
 ساخت که روزی به خارج بکشاید. در این دادگاه پس از سالها  
 برای نخستین بار متهمان به مبارزه آشکار بر علیه رژیم پارتی  
 و ثابت کردند که شکیه گاههای سازمان امنیت قادر نیستند  
 اراده مردان مصمم جانناز خلقی وارد آورد. آنها «افسانه»  
 وحشتی را که سازمان امنیت درباره خود ساخته و پرداخته  
 است بر باد دادند. ضربهای که آنها بر سازمان امنیت زدند  
 ضربه ای کاری است.

چندی پیش از آنکه سرود پرشکوه انترناسیونال در دادگاه  
 فاشیستی محمد رضاشاهی طنین افکند شعار «انقلاب سرخ  
 بجای انقلاب سفید» فضای تهران و بلکه سراسر ایران را پر  
 ولوله ساخته بود. این ها نشانه مرحله تازه ای در مبارزه خلق  
 بر ضد حکومت کودتا است. البته سازمان امنیت که خطر مرگ  
 خود و رژیم متبوع خود را احساس میکند درنده مرحله خواهد کرد  
 به جنایتکاریهای تازه دست خواهد زد و به خائن ترانشی های  
 جدید متوسل خواهد شد. ولی تاریخ را با هیچ جنایت و  
 خیانتی نمیتوان جلو گرفت. از فدائیکاری و دانائی لایزال خلق  
 نیرو بگیریم. مرحله جدید مبارزه را تدارک به بینیم. در احیا  
 حزب طبقه کارگر که ضامن رهبری صحیح و پیروزی  
 استوار مبارزات خلق است بیش از پیش بکوشیم. پیروزی با ما است.

زندگی و مبارزه... بقیه از صفحه ۱  
 که مسئول این حادثه  
 مقاطعه کارانگیسی بوده است. در همین دی ماه گذشته در  
 کارخانه نساجی شاهی (که با دعای آقای «نیکخواه رژیم»  
 وضعیت از کارخانه های بخش خصوصی بهتر است) هشتاد تن  
 از کارگران با کاری که بمحوظه کار راه یافته بود مسموم شدند.  
 در همان ماه در اثر برخورد قطاری که کارگران معدن سنگ آهن  
 یزد را سرکار میبرد ۵ نفر بقتل رسیدند و عده دیگری بسختی  
 مجروح شدند که شاید برخی از آنها تاکنون جان سپرده باشند  
 آنچه این مصیبت را جانخراش تر میکرد وضعی است که این  
 کارگران در موقع مسافرت داشته اند. از زبان یکی از بازماندگان  
 بشنوم: «ما ۱۶۰ نفر بودیم که سوارواگن شدیم و از پس جا  
 تنگ بود ناچار عده ای از کارگران بطور فشرده کنار هم ایستادند  
 ما از درون واگن هیچ چیزی را نمی دیدیم چون این واگن  
 پنجره های نداشت!» اگر دولت ایران میخواست عده های گاو  
 و کوسفند را از نقطه ای بنقطه دیگر منتقل کند نمیتوانست شرط  
 بدتر از این برای آنها تدارک ببیند! گویا بعداً همه کشتگان  
 حادثه را در چاله بزرگی خاک کرده و لوحهای با این عبارت  
 در کنار آن نصب کرده اند: «قربانیان دره خونین ایستگاه  
 راه آهن یزد». ولی باید این لوحه را بر سر خاک ایران زد  
 و بروی آن نوشت: «قربانیان رژیم محمد رضاشاه!»

نه! طبقه کارگر ایران اگرچه در مبارزه با طبیعت و با  
 رژیم ستکار بیلهوی قربانیان بسیاری داده نیرومندتر از همیشه  
 بر پای ایستاده است. او گوهرکن رژیم محمد رضاشاه است.  
 او سابقه مبارزاتی افتخارآمیز دارد. از عهد مشروطیت تا  
 امروز هیچ نبرد بزرگ اجتماعی نیست که مهر و نشان او را بر  
 پیشانی نداشته باشد. او در گذشته توانست حزب سیاسی و  
 سازمان های صنفی نیرومند خود را بوجود آورد و مبارزاتی  
 را که از لحاظ عمق و وسعت در تاریخ ایران نظیر نداشته  
 است رهبری کند. در دوران رژیم خونریز کودتا نیز تاملاتی  
 های سازمان امنیت نتوانسته است مبارزات طبقه کارگر را خنثی  
 سازد. طبقه کارگر ایران از تجارب گرانبهایی برخوردار است  
 یگانه طبقه ای است که میتواند تا آخر نماینده منافع خلق باشد  
 و خلق را بسوی جامعه سوسیالیستی رهنمون شود. ایدئولو-  
 لوزی علمی مارکسیستی - لنینیستی از آنراست. سلاح او سب  
 طبقه کارگر ایران پیوسته در رشد کمی و کیفی است. ضعف  
 طبقه کارگر ایران در فقدان حزب طبقه کارگر است یعنی حزبی  
 پیراسته از رویزیونیسم، مجهز به مارکسیسم لنینیسم و اندیشه  
 مائوسه دون، در پیوند با طبقه کارگر و سایر توده های زحمتد  
 کش، آماده برای فداکاری در راه آرمان مقدس طبقه کارگر.  
 اما گسترش افکار مارکسیستی - لنینیستی در کشور ما علی رغم  
 رژیم خفه کننده پلیسی روزافزون است. نهضت مارکسیستی -  
 لنینیستی روز بروز قوت و وحدت بیشتری می یابد و ناگزیر در پ  
 زود به احیا حزب طبقه کارگر منجر خواهد شد.  
 سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان احیا حزب طبقه  
 کارگر در عرصه ایران را وظیفه مبرم خود دانسته و پیوسته بسا  
 عزمی راسخ در این راه کوشیده است و خواهد کوشید.  
 درود به طبقه کارگر قهرمان ایران!

## دو اثر

### از مارکس و انگلس

سازمان توفان بمناسبت صد و پنجاهمین سالگرد میلاد  
 انگلس دو اثر زیرین:  
 ۱- «مانیفست حزب کمونیست» از مارکس و انگلس  
 ۲- «لودیویک فوئرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان»  
 از انگلس  
 را تجدید طبع کرده است. آنها را از ماهنامه توفان بخواهید.

عنوان مکاتبات  
 X GIOVANNA GRONDA  
 24030 VILLA D'ADDA/ITALY  
 حساب بانکی  
 X GIOVANNA GRONDA  
 CONTO 12470/11  
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
 MILANO / ITALY

# گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

بنامست و مارس روز بین المللی زنان

### درواه آزادی زنان

اسارت زن در جامعه انسانی سابقای بسیار کهن دارد تصادمی زن و مرد و اسارت زن در دست مرد مقارن با پیدایش صفات و ستم طبقاتی است. یعنی دهها قرن است که جامعه انسانی و انسانها و حتی خود زنها با پدیدههای ناهنجار و غیر انسانی خو گرفته اند و آنرا امری طبیعی و عادی می شمارند رنجاع سبب در قرون گذشته این بیعدالتی را با تمام نیروی خود - امر زده است. یکی از بزرگان کلیسا و فیلسوف دوران قرون وسطی میگوید: "سرنوشت زن آنست که در زیر پاشنه مرد زیست کند". ناپلئون نماینده بورژوازی تازه بدوران رسیدن فرانس برآورد که "زن آفریده شده است برای آنکه برده ما باشد". گیوم دوم امپراطور آلمان زن را فقط شایسته مطبخ، کباب و زدن میدانست. امروز هم معاین رئیس ج. م. س. آمریکا اسپرواگنیو بدون احساس ذره ای شرم اظهار میدارد: "سه عنصر را بزحمت میتوان رام کرد: احمق، زن و اقیانوس، ما امروز در عصر نخست هیچ موفقیتی بدست نیاوردیم".

در اندیشه نه تنها طی دهها قرن درازهان ریشه و سبب و حتی در میان توده های مردم نیز بمثابة حقیقی مسلم تلقی میکردند، بلکه براساس آن نیز رفتار شده و میشود.

سرمایه داری زن را از محیط تنگ خانه به محیط تولید کشیدند نه برای آنکه زن را از اسارت برهاند بلکه برای آنکه نیروی کار ارزان بدست آورد و سود بیشتری تحصیل کند. سرمایه داری که با شعار "برابری" میدان آمد در واقع نابرابری اجتماعی و اقتصادی به ارمغان آورد و همین نابرابری هم در مورد زنان صدق تباقت نقش یعنی مثلی که سرمایه داری باز کرد. زن را به صحنه اجتماع و مبارزه اجتماعی کشانید. شکی نیست که زنان در مبارزه با خطر احرار مقام انسانی در جامعه موفقیت هایی بدست آوردند ولی زن هنوز در جوامع طبقاتی با زحمت های دردست مرد است، حد اکثر آلهه عشق است، تمام تشیفات بورژوازی امپریالیستی در سرا سیر جهان بر این محور میچرخد که این اندیشه را هرچه بیشتر درازان رساند و در درگرونده تولید زنان بیش از مردان مورد ستودن است. ترا واقع میشوند آنها در برابر کارمندی با مردان مزد کثرتی دریافت میکنند.

در محیط خانواده وضع زن از اینهم وخیمتر است. در این محیط زن در زیر سلطه بی چون وچرای مرد دست و پا میزند. اگر به تازم در سرمای زمستان و گرمای تابستان به کار توان - فرسای خانه میزد از دلی هرگز کارش بحساب نیاید. حتی زنانی که مانند مردان در اجتماع کار میکنند پس از ورود بخانه وضع - از تمام امور خانه را ازینخت ویز گرفته تا شست و شویی و بچه داری برعهده داشته باشند. چنان زن بویژه در کشورهای عقب افتاده به پیشیزی نمی آرد. کافی است پدری و برادری، شوهری در باره دختر، خواهر و همسر خود گرفتار خیالات توهمات شود برای آنکه زن با زندگی خویشو ادع گوید.

زن پیش از آنکه زن باشد انسان است و باید از حقوق انسانی بصورت تام و تمام برخوردار باشد، اختلاف جسمانی به هیچوجه نمیتواند دال بر وجود تمایزات اجتماعی باشد، نمی تواند حاکی از این باشد که زن در سطح پائین تری از مرد قرار دارد. بدون شک در جامعه کنونی بویژه در کشورهای نظیر کشور ما زن عقب مانده است ولی این عقب ماندگی محصول وضع او در جامعه است و نه آنکه از سرشت او بر میخیزد. زنان نشان داده اند که در هیچ زمینه ای فروتر از مردان نیستند اینها همه مسائلی منطقی و روشن است ولی سرشت جامعه طبقاتی که آنگه از قزنها و قزنها افکار و اندیشه های خرافی است هنوز حاضر به تسلیم در برابر حقایق و واقعیات نیست.

زنان ایران در دوران پس از شهریور و در زیر رهبری حزب توده ایران در مبارزات خلق نقش روز افزونی داشتند و با شرکت خود در مبارزات محلی و ملی علیه دشمنان خلق شخصیت اجتماعی خود را نشان دادند، رژیم کودتا بقیه در صفحه ۲

# پاسداری از رژیم کودتا در لباس مارکسیسم

چنانکه ملاحظه میکنید وظیفه میهن پرستان ایران سرنگ ساختن دولت نیست بلکه سوق دادن دولت در همین راهی است که در پیش دارد!

چنین است استدلال و نتیجه گیری کسانی که در لباس مارکسیسم بیاسداری از حکومت محمد رضاشاهی ایستاد هاند! ریزینویست حامدی اند که در اثر نفوذ اقتصادی شوروی در ایران "دهقان راند شده از روستا کاروانان بدست می آورد و در مقابل کوره" نوب آهن آبدیدی طبقاتی کسب میکند. بنظر ریزینویست ها "آبدیدی طبقاتی" معلول پیشرفت تکنیک است نه معنوی مبارزه طبقاتی که ریزینویست ها مثل آتش از آن می پروریزند. اگر استدلال ریزینویست ها را بپذیریم باید از امپریالیسم انگلستان سیاست زار بود که صد ها کیلو متیر در هندوستان راه آهن کشید تا دهقان هندی در مقابل کوره لوکوموتیو آن آبدیدی طبقاتی کسب کند. باید دست امپریالیسم آمریکا را بشکرانه فنرد که کارخانه نوب آهن در همدان ساخته تا کارگر هندی در مقابل کوره آن به آبدیدی طبقاتی برسد. باید در برابر امپریالیسم آمریکا وانگلستان سرفرو آورد که صنایع نفت را در ایران بوجود آورد هاند تا زارع ایرانی در ریال - یشگاه آن از صافی طبقاتی بگذرد. ... اصولا دنیای استعمار زده باید برای استعمار دست بدعا باشد زیرا که امپریالیسم بمنظور استثمار خلق ها بهمه جا گوشه هایی از تکنیک معاصر را سرایت داده است.

این نظریه ریزینویست ها که تکنیک راحلال مسائل اجتماعی می شمارند از مرجعانه ترین نظریات بقیه در صفحه ۳

## مشت نمونه خروار است

ریزینویست ها مدعی اند که ککهای اقتصادی و نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی به زنجیباتی نظیر شاه، علمینجیش های آزادی بخش کورهای نظیر ایران نیست. زیرا بقیه آنان گویا در این کشورها جنبش های آزادی بخشی وجود ندارد و الا هرکجا جنبش آزادی بخشی وجود داشته باشد، احصاء شوروی سیاست دیگری اتخاذ میکند و گویا این جنبش ها را از حمایت مادی خود برخوردار میسازد. آنها برای مثال جنبش آزادی بخش خلق ویتنام را به گواهی میکشاند که گویا از کک "بی شائبه" اتحاد شوروی مستفیض است. آنان میکشند هرگونه مواضع سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم آمریکا را در مورد ویتنام پرده پوشی کنند. ولی خیانت تزارهای جدید کرملن به خلقهای هند و چین بزرگتر از آنست که در گاهی در زیر سرپوش بمانند.

در ماه مارس سال گذشته سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" در کامبوج کودتای تنگینی برآه انداخت. رئیس قانونی ایسن کشور، سپهانوک را از کار برکنار ساخت و قدرت دولتی در دست او را در دست گرفت. بدنیال این کودتای تنگ آور خلقهای هند و چین - ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی، لاوس و کامبوج - اتحادیه ای علیه امپریالیسم آمریکا بوجود آوردند تا جنگهای آزادی بخش خود را علیه امپریالیسم آمریکا هم آهنگ سازند. رئیس قانونی کشور کامبوج، سپهانوک، در مهاجرت جیبیسه آزادی بخش کامبوج و دولت موقت کامبوج را تشکیل داد که از جانب تعداد زیادی از دول ضد امپریالیستی برسمیت شناخته شد. ولی اتحاد شوروی از برسمیت شناختن این حکومت قانونی خودداری ورزید و برعکس به سازش با درودسته لون - نول این کودتاجی و سیک زنجیری امپریالیسم آمریکا پرداخت و این درودسته تبهکار را از ککهای بی دریغ پزشکی، فنی و نظامی برخوردار ساخت. کوئی در کامبوج جنبش آزادی بخشی نیست حال آنکه خلق کامبوج تاکنون قسمت اعظم سرزمین خود را از تسلط نیروهای ارتجاعی بیرون آورده است.

علاوه بر این روابط دوستانه و ککهای کوناگون شوروی نسبت به رژیم تایلند که یکی از بهترین پایگاههای امپریالیسم خلقهای هند و چین - واز آنجمله تایلند - است هر روز و بخصوص در این اواخر گسترش بیشتری یافته است. بدیهی است که سازش با امپریالیسم آمریکا در کامبوج و تایلند عمل دوستانه ای نسبت به خلق بقیه در صفحه ۳

دفاع از قرارداد نواستعماری شوروی بر ریزینویست های حزب تود مایران دشوار بود. ولی از آن هم نمیشد گذشت. از این جهت سرمقاله شماره اخیر "مردم" را بآن اختصاص دادند.

ریزینویست ها معتقد اند که موافقت نامه های جدید متضمن "عناصر کیفی نوین" است. ریزینویست ها برآنند که توسعه روابط بازرگانی با کشورهای ریزینویستی و بویژه اتحاد شوروی، هم اکنون "تحول کیفی" در چگونگی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و مرحله نوینی در رشد اقتصادی کشور پدید آورده است.

این چه معنی است؟ بآن معنی است که روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی نظیر آمریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن، انگلستان، ایتالیا و غیره - بعقیده ریزینویست ها - هم اکنون به تحول کیفی نائل آمده است. عبارت دیگر: روابط بازرگانی و اقتصادی کشورهای امپریالیستی با ایران در اثر معجزات بهبود روابط ایران با اتحاد شوروی، دیگر دارای کیفیت استعماری نیست بلکه کیفیت "نوینی" دارد.

ریزینویست ها برآنند که همکاری های ممالک ریزینویستی با دولت محمد رضاشاه که گویا منجر به ساختمان - باصطلاح آنها "صنایع کبیدی" شده هم اکنون "استروکورتصایع مجموعه اقتصاد ایران را درگون میسازد"

بعبارت روشتر: ساختمان صنایع ایران و مجموعه اقتصاد ایران در حال درگون شدن است، دیگر وابسته با امپریالیسم نیست و نخواهد بود، دیگر اقتصاد نیمه مستعمره نیست و نخواهد بود.

بعقیده ریزینویست ها قرارداد نواستعماری ایران با شوروی علی رغم مخالفت های آشکار و پنهان و درین حال که ملا طبیعی محاور انحصاری، واگتشر جنجالی و هیستریک خانمان نقابدار امپریالیسم، از طرف دولت ایران امضا شده است.

بعبارت دیگر: محمد رضاشاه متقلا و علی رغم مخالفت های آشکار و پنهان امپریالیست ها و در راس آنها امپریالیسم آمریکا بانعقاد قرارداد های انقلابی با کشور سوسیالیستی "دست زده است".

این نظریات ریزینویست ها کثرتین نسبتی با تحلیل علمی ندارد و خیانت آشکار به اصول مارکسیسم - لنینیسم است.

مارکسیست ها - لنینیست ها در بررسی های خویش هرگز تحلیل طبقاتی را از یاد نمیرند و فراموش نمیکند که هیچگونه تحول کیفی در جامعه بدون تحول کیفی در دولت امکان پذیر نیست. این "مجموعه" اقتصاد ایران که بنا بر ادعای ریزینویست ها درگون میشود بسود کدام طبقه یا طبقات درگون میشود؟ چگونه ممکن است که هیئت حاکمه ایران که مرکب از کپرادورها و مالکان بزرگ ارضی است و سرمای وجودش در پیوند با امپریالیست هاست زمام حکومت را در دست داشته باشد و آنگاه امکان بدهد که "مجموعه" اقتصاد ایران "بزیان امپریالیست ها، بزیان کپرادورها، بزیان مالکان بزرگ ارضی درگون پذیرد؟ پس نقش دولت - بمنزله ماشین فشار طبقه معین - در اینجاست؟

بنظر ریزینویست ها همین حکومت کنونی، همین حکومت خون آشامی که محمد رضاشاه در راس آن است اگر تا دیروز نماینده و مدافع منافع طبقات ستگرو استثمارکننده مواعیل امپریالیسم بود فرد نمیتواند نماینده و مدافع منافع طبقات ستمدیده مواعیل زده و میهن پرست باشد. و اصولا گویا وظیفه خلق ایران اینست که حکومت محمد رضاشاهی را از آن مواضع باین مواضع انتقال دهد و وسیله این انتقال عبارتست از بهبود روابط با کشورهای شوروی، واگذاری منابع ثروت کشور ما به تزارهای نوین روسیه!

اگر باورند آرید به نتیجه گیری سرمقاله ریزینویست ها و وظیفه های که برای ککهای ایرانیان معین کرده است توجه کنید. سرمقاله میگوید:

"میهن پرستان واقع بین ... باید بکشوند تا دولت را پیش از پیش در این راه سوق دهند و با استفاده از شرایط مادی مساعدی که کک های دوستانه کشورهای سوسیالیستی برای ایران فراهم می آورد در راه برانداختن نهائی سلطه انحصارهای امپریالیستی و تامین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور قدم بردارند."

## مرك و ننگ برا امپریالیسم آمریکا